



## Comparative Exegesis of the Verse «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» “And Enter Houses through Their Doors” (Quran ۲:۱۸۹)\*

Morteza Qasemi-Khah<sup>۱</sup>



In the pre-Islamic period and even in the early days of Islam, some people refrained from entering their homes through the main door during the Hajj season. The Quran condemns entering houses from behind. Although it is customary for humans to enter homes through the front door, Allah, in a directive manner, says: “And enter houses through their doors” (Quran ۲:۱۸۹). This article, through a descriptive-analytical method and based on library research, seeks to answer the question of what is meant by houses and their doors and why Allah has commanded entering through them. After examining various narrations and exegeses, the study concludes that this verse refers to a broader and more general principle, guiding humans to enter into every matter in the appropriate manner. Narrations from the infallibles (Ahlul Bayt) regarding the specific examples of these houses and doors have provided some insights. These examples can be categorized into three groups: ۱- The first group interprets the house as God, and the way to enter it is through the Ahlul Bayt. ۲- The second group identifies the Ahlul Bayt themselves as the house, and the way to enter this house is by obtaining permission from them. ۳- The third group considers the house as knowledge and wisdom, with the path to access it being through the Ahlul Bayt. Previous writings and exegeses have primarily focused on the first interpretation, while the second has often been overlooked, and the third interpretation has not been presented as an exegesis of this verse.

**Keywords:** Quranic Verse ۲:۱۸۹, Divine Doors, House of God, Ahlul Bayt (AS).

\*. **Date of receiving:** ۶ February ۲۰۲۳, **Date of receiving:** ۲۴ September ۲۰۲۳, **Date of approval:** ۱۸ February ۲۰۲۴.

۱. PhD Graduate in Islamic Teachings, Ethics (Orientation), Quran and Hadith University, Qom, Iran; (armantalab\@gmail.com).



## تفسیر تطبیقی روایی آیه «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»\*

مرتضی قاسمی خواه<sup>۱</sup>



### چکیده

در دوران جاهلیت و حتی در ابتدای اسلام، عده‌ای در ایام حج از درب اصلی خانه‌های خود وارد نمی‌شدند. قرآن کریم ورود به خانه‌ها از پشت آن‌ها را نیک نمی‌داند. با اینکه انسان به‌طور عادی از درب خانه وارد می‌شود، خداوند به صورت ارشادی فرموده است: «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» یعنی از درب خانه‌ها وارد شوید. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای به این سؤال می‌پردازد که منظور از خانه‌ها و درب‌های آن چیست و چرا خداوند امر کرده است که از درب آن‌ها وارد شویم. مقاله پس از بررسی روایات و تفاسیر مختلف به این نتیجه رسیده است که این آیه فراتر از درب و خانه‌های عادی، اصلی جامع و کلی را بیان می‌کند و انسان را راهنمایی می‌کند که در هر کاری از راه شایسته آن وارد شود. روایات معصومان<sup>۱</sup> درباره مصادیق این خانه‌ها و درب‌ها مطالبی بیان کرده‌اند. در مجموع می‌توان این مصادیق را به سه گروه تقسیم کرد: ۱. گروه اول خانه را خدا و راه ورود به آن را اهل بیت<sup>۲</sup> می‌دانند؛ ۲. گروه دوم خود اهل بیت را مصادیق خانه معرفی می‌کنند و راه ورود به خانه اهل بیت، اذن گرفتن از آنان می‌باشد؛ ۳. گروه سوم خانه را علم و حکمت و راه دستیابی به آن را اهل بیت<sup>۳</sup> می‌دانند. در نوشتارهای پیشین و تفاسیر سابق، معنای اول بیشتر مورد توجه قرار گرفته و معنای دوم مغفول مانده و معنای سوم به‌عنوان تفسیری برای این آیه بیان نشده است. واژگان کلیدی: آیه ۱۸۹ بقره، درب‌های الهی، خانه خدا، اهل بیت<sup>۳</sup>.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷، تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹.

۱. دانش‌آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق، دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران؛ (armantalab@gmail.com).



## مقدمه

آیه **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** (بقره: ۱۸۹) در نگاه اول برای متأخران از نزول قرآن مشتمل بر چند جمله دشوار و سؤال برانگیز است؛ از جمله اینکه چرا گفته شده است از پشت خانه‌ها وارد شدن نیکی نیست! این جمله از دو جهت سؤال برانگیز است: اول اینکه انسان به طور طبیعی از پشت خانه وارد نمی‌شود؛ دوم اینکه فرضاً اگر کسی چنین کند، مگر کار خود را نیکی می‌پندارد؟ جمله سؤال برانگیز دیگر این است که برای ورود به خانه از درب آن دستور داده شده است، در حالی که ورود به خانه از درب آن کاری طبیعی است و نیاز به امر ندارد. یافتن پاسخ به این سؤالات، ضرورت پرداختن به تفسیر این آیه را روشن می‌سازد که این مقاله در صدد پاسخگویی به این سؤالات است.

منظور از تفسیر تطبیقی در این مقاله، مقایسه روایات شیعه و سنی است. البته در منابع روایی اهل سنت بیشتر به بیان شأن نزول‌ها اکتفا شده، لذا مقاله حاضر به مقایسه و بررسی روایات شیعه معطوف بوده است.

در باره ورود به خانه‌ها از درب آن، یعنی جمله «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» در روایات اهل بیت<sup>۸</sup> تفاسیر و مصادیقی بیان شده است. غالب تفاسیر حتی متأخران، روایات را بدون دسته‌بندی و تحلیل معنایی، ذیل آیه ذکر نموده‌اند که پاسخ کاملی به سؤالات انسان درباره آیه مورد نظر نمی‌دهند. مقاله حاضر به طور خاص عبارت «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» و روایات مربوط به آن را با روش توصیفی - تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای بررسی کرده و نهایتاً روایات را در سه گروه دسته‌بندی نموده و به تبع آن جمله را سه گونه تفسیر نموده است. همچنین به تحلیل برخی مصادیق روایی آن پرداخته است.

پیشینه پژوهش و نوآوری تحقیق: تفاسیر ترتیبی ذیل آیه به عنوان پیشینه پژوهش مورد توجه قرار گرفته است؛ لکن این تفاسیر به صورت کلی و بدون دسته‌بندی روایات را ذیل آیه بیان کرده‌اند.

درباره آیه مورد نظر، دو تحقیق مستقل صورت گرفته است. یکی مقاله «حجیت مفاد فراهای مستقل قرآن؛ رهیافت‌ها و زمینه‌ها (مطالعه موردی، آیه ۱۸۹ بقره)» است که هرچند آیه مورد بحث را مورد مطالعه قرار داده است، اما هدف تحقیق اثبات حجیت فراهای مستقل آیه بوده و به بررسی و دسته‌بندی روایات ذیل آیه نپرداخته است. مقاله دوم عبارت است از «اکاوی تأویلات روایی تفاسیر شیعی در آیه ۱۸۹ سوره بقره». این پژوهش معانی باطنی آیه را بر اساس روایات شیعه استخراج نموده و



اثبات کرده است که معانی باطنی، ضابطه مند و در راستای معانی ظاهری مستفاد از اسباب نزول و مباحث تاریخی است. نهایتاً تأویلات شیعی پیرامون آیه را به ۱. ائمه<sup>ا</sup>؛ ۲. امام علی<sup>خ</sup>؛ ۳. ورود به کارها از طرق آن، تقسیم بندی کرده است. این پژوهش شاید در جهت ارتباط معانی تأویلی با ظاهر موفق بوده است، ولی تقسیم بندی درستی برای روایات انجام نداده است و روایات را به صورت پراکنده ذیل عناوینی کلی ذکر کرده است.

ادعای نگارنده این است که تاکنون هیچ کدام از تفاسیر و تحقیقات انجام شده به دسته بندی دقیق و درست روایات آیه ۱۸۹ بقره نپرداخته است و نوآوری پژوهش حاضر، ارائه دسته بندی دقیقی از روایات آیه مورد بحث است. در آیه مورد بحث، دو عنوان اصلی «بیت/خانه» و «باب/درب» وجود دارد که مقاله حاضر روایات را بر اساس این دو عنوان اصلی دسته بندی نموده است.

### مفهوم شناسی

عبارت اصلی آیه و مورد بحث مقاله، «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» است. «أَتُوا» که مصدر آن اتیان است به معنای آمدن (جوهری، بی تا، ۲۲۶۱/۶) یا به آسانی آمدن (راغب، ۱۴۱۲: ۶۰) ترجمه شده است؛ کاربرد لازم، متعدی، مجرد و مزید این باب همین معنا را دارد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۲/۱). «بیوت» جمع «بیت» (ابن سیده، بی تا، ۵۲۵/۹) به معنای خانه و مکانی است که انسان در آن استراحت می کند و می خوابد (زهری، بی تا، ۲۳۸/۱۴) و «ابواب» جمع «باب» به معنای درب است (ابن سیده، بی تا، ۵۵۶/۱۰). بنابراین ترجمه دقیق آیه چنین است: «به خانه ها از درب آن بیایید.» که می توان به طور روان آیه را چنین ترجمه کرد: «از درب خانه ها به آن درآید/داخل شوید.»

کلمه «الْبُيُوتَ» و «أَبْوَابِ» در آیه دلالت بر عموم دارد و شامل همه خانه ها می گردد. به عبارتی، آیه هیچ اختصاصی به خانه های ظاهری ندارد. قرآن درباره درب های غیرمادی فرمود:  $\text{II}$  إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ O (اعراف: ۴۰). درب های مادی آسمان برای مسلمان و کافر باز است؛ آن دری که برای کافران باز نمی شود درب معنوی است. همان گونه که درب معنوی وجود دارد، خانه های معنوی نیز وجود دارند. خداوند از زبان حضرت نوح<sup>خ</sup> بیان می کند:  $\text{II}$  أَرَبِّ اغْفُرْ لِي وَ لِرِجَالِي وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا O (نوح: ۲۸). منظور، خانه شخصی حضرت نوح<sup>خ</sup> نیست؛ زیرا پسر او وارد آن شد اما مشمول دعای ایشان نگردد. مراد از کسانی که با ایمان داخل خانه ایشان شدند، مؤمنان از قوم او هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷/۲۰). شاهد دیگر درباره خانه های غیرمادی حدیث قتاده است که به امام باقر<sup>خ</sup> گفت: قسم به خدا من در مقابل فقها و پیش روی ابن عباس نشستم ولی قلبم آن چنان که نزد شما



دگرگون شد، نزد هیچ‌یک مضطرب نشد. امام فرمود: وای بر تو آیا می‌دانی کجایی؟ تو پیش روی II فی  
تَبُوتِ اذِنَّ اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهٗ فِيهَا بِالْعُدُوِّ وَالْاَصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِمُهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ  
اللّٰهِ وَ اِقَامِ الصَّلَاةِ وَ اِيتَاءِ الزَّكَاةِ O (نور: ۳۶-۳۷) هستی. پس تو آنجایی و ما همان‌ها هستیم. قتاده گفت:  
قسم به خدا درست می‌فرمایید، قسم به خدا آن‌ها خانه‌های سنگی و گلی نیستند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۵۶/۶  
و ۲۵۷). بنابراین «بیوت» و «ابواب» شامل همه خانه‌ها و درب‌ها می‌شود.

## شأن نزول آیه

یکی از عواملی که موجب ابهام آیات قرآن گردیده و ضرورت تفسیر را ایجاب می‌کند، اشاراتی  
است که به طور سربسته در قرآن آمده و برخی عادات و رسوم جاهلیت را مورد نکوهش قرار داده است.  
از جمله آیاتی که تا شأن نزول آنها روشن نگردد، محتوای آنها به طور کامل روشن نمی‌گردد، آیه ۱۸۹  
بقره است (معرفت، ۱۳۷۴: ۲۰ و ۲۱).

درباره ورود به خانه از پشت، شأن نزول‌هایی وارد شده که ابهام آیه را تا حدودی رفع می‌نماید. از  
جمله: «هنگامی که یکی از انصار در جاهلیت و ابتدای اسلام برای حج یا عمره احرام می‌بست، اگر از  
شهرنشینان بود و در خانه خود مقیم بود، از درب خانه وارد منزل خویش نمی‌شد؛ بلکه برای او نردبانی  
به پشت بام می‌گذاشتند و از آن بالا می‌رفت و از آن به داخل خانه پایین می‌آمد یا از دیوار بالا می‌رفت  
یا قسمتی از خانه خود را سوراخ می‌کرد و از آن داخل و خارج می‌شد. پیوسته چنین می‌کرد تا محرم به  
سوی مکه می‌رفت. و اگر از چادرنشینان بود، از پشت خانه‌اش داخل و خارج می‌شد» (بلخی، ۱۴۲۳:  
۱۶۶/۱ و واحدی، ۱۴۱۱: ۵۷).

با توجه به این شأن نزول‌ها، چون برخی گذشتگان در ایام و شرایط خاصی از پشت خانه و غیر از  
درب اصلی وارد خانه می‌شدند و این کار خود را نیکی و درست می‌شمردند، آیه قرآن از چنین کاری  
نهی کرد و اشاره کرد که از پشت خانه داخل شدن نیکی نیست.

درباره ورود به خانه از درب آن نیز شأن نزولی وارد شده است که در معنای سوم مصادیق روایی بیان  
می‌شود.

## لزوم انتخاب راه مناسب در هر کاری

بر اساس روایات ذیل آیه، یک اصل کلی استنباط کرده‌اند که عبارتند از: «در هر کاری باید از راه  
مناسب آن وارد شد». با توجه به اینکه وارد شدن به خانه از درب ورودی آن کاملاً طبیعی و عادی است  
و نیازی به امر ندارد، علامه طباطبایی می‌گوید: امر آیه ارشادی است نه مولوی (طباطبایی، ۱۴۱۷:



۵۷/۲). این جمله اصل کلی را بیان می‌کند و نه مسئله‌ای مختص به حج و صرفاً برای رفع آن سنت جاهلی. امام باقر \* درباره این جمله فرمودند: یعنی هر کاری را از راهش انجام دهد (برقی، ۱۳۷۱: ۲۲۴/۱).

این حدیث گویای اصل کلی است و آن اینکه باید به هر کاری از راه مناسب آن وارد شد. کلیت این اصل، امور اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و ... را شامل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۶۱/۹).

راه ورود انسان به کارها، خصوص مسیر مشروع آن است و راه نامشروع، هر چند به حسب ظاهر سهل و سریع باشد، بیراهه است و باید از آن پرهیز شود. چون هرگز هدف و سیله را توجیه نمی‌کند و انسان از راه گناه به مقصد نمی‌رسد. گناه، دالان ورودی به کارها نیست، بلکه بیراهه رفتن و از پشت خانه وارد آن شدن است.

آنان که می‌خواهند از راه‌های باطل، مانند ریاضت‌های غیر شرعی و توسل‌های بی‌جا، به مقصد برسند، سخت در اشتباه‌اند. زیرا بیراهه به مقصد نمی‌رسد (همان: ۵۴۸).

امام صادق \* فرمودند: فردی برای امام حسین \* نامه‌ای نوشت و درخواست کرد تا امام او را با دو جمله نصیحت فرمایند. امام حسین نوشتند: هر کس بخواهد با معصیت خدا کاری را انجام دهد، آنچه را به آن امید داشته زودتر از دست خواهد داد و از آنچه می‌هراسد زودتر به او خواهد رسید (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۳/۲).

بنابراین، اگر کسی از غیر راه مناسب برای رسیدن به مقصد خود تلاش نماید، به مقصد نخواهد رسید و مصداق ورود به خانه از پشت آن خواهد شد و اگر کار خود را نیکی و عبادت بشمارد، مصداق  $قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا$  (کهف: ۱۰۳ و ۱۰۴) خواهد شد.

### مصادیق و معانی بیوت و ابواب در روایات

جای تعجب است که تفاسیر روایی اهل سنت درباره عبارت مورد بحث آیه فقط به نقل شأن نزول پرداخته‌اند و اشاره‌ای به معنای بیوت، باب و ... نداشته‌اند (سمرقندی، بی تا، ۱۲۶/۱-۱۲۷؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۸/۲-۱۱۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۰۳/۱-۲۰۵). البته در تفاسیر دیگر اهل سنت مباحثی پیرامون آیه مطرح شده است؛ از جمله فخر رازی می‌گوید: آمدن به خانه‌ها از پشت آن، کنایه از عدول و انحراف از راه صحیح است و آمدن به خانه از درب آن، کنایه از تمسک به راه مستقیم است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۸۶/۵).



لکن تمرکز مقاله کنونی بر روایات است. لذا از این تفاسیر صرف نظر کرده و در ادامه به بررسی و تقسیم‌بندی روایات شیعه درباره آیه می‌پردازیم.  
در عبارت «وَأْتُوا النُّبُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» دو عنوان اصلی «بیت/خانه» و «باب/درب» وجود دارد که در ادامه روایات بر اساس این دو عنوان اصلی دسته‌بندی می‌شوند. «بیت/خانه» حکم مقصد و «باب/درب» حکم مقدمه و راه ورود به مقصد را دارد.

### معنای اول: اهل بیت<sup>ا</sup> درب‌های الهی

با توجه به برخی روایات روشن می‌گردد که اهل بیت<sup>ا</sup> درب خدایند؛ یعنی خدا به منزله خانه است و اهل بیت<sup>ا</sup> به منزله درب ورود به این خانه هستند. روایات در این معنا بسیار است که برخی از آنها عبارتند از:

- هر کس به سراغ آل محمد<sup>ا</sup> برود، به چشمه‌ای زلال رسیده است که به علم خدا جریان دارد و برای آن پایان و خشکی نیست؛ این بدان دلیل است که اگر خداوند می‌خواست خود را به آنان نشان می‌داد تا از درب او وارد شوند، لکن خداوند محمد و آل محمد<sup>ا</sup> را درب‌هایی قرار داده است که از آن وارد می‌شوند و این همان سخن خداست که فرمود: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا النُّبُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَ أَتُوا النُّبُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۹۹).

- امام باقر<sup>ع</sup> فرمودند: رسول خدا| درب خداست که جز از آن وارد نمی‌شوند و راه اوست که هر که آن را ببیند به خدا می‌رسد و پس از ایشان امیرمؤمنان<sup>ع</sup> نیز چنین است و این جریان درباره ائمه<sup>ا</sup> یکی پس از دیگری تداوم دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۹۸). همچنین امام صادق<sup>ع</sup> فرمودند: امیرمؤمنان<sup>ع</sup> درب خداست که جز از آن وارد نمی‌شوند و راه اوست که هر کس غیر از آن را ببیند هلاک می‌شود. همین مطلب درباره ائمه هدی<sup>ع</sup> نیز، یکی پس از دیگری جریان دارد (همان: ۱۹۶).

پیامبر| و اهل بیت<sup>ا</sup> جانشینان بر حق خدا هستند و برای رسیدن به خدا و مقصد باید از این راه اصلی که خود خدا معرفی کرده است وارد شد و هر کس از راه دیگری بخواهد به خدا برسد، امکان ندارد و به هلاکت خواهد رسید.

- امام صادق<sup>ع</sup> فرمودند: اوصیا (جانشینان پیامبر<sup>ص</sup>) همان درب‌های خدای عزوجل هستند که از آن وارد می‌شوند (همان: ۱۹۳). امام باقر<sup>ع</sup> فرمودند: ما درب خدا هستیم (همان: ۱۴۵). امام علی<sup>ع</sup> فرمودند: من درب خدا هستم (همان). هنگامی که از امام صادق<sup>ع</sup> سؤال شد جایگاه شما نزد خدا چیست؟ فرمودند: حجت خدا بر بندگانش و درب او که از آن وارد می‌شوند (صفار، ۱۴۰۴: ۶۲). ما درب‌ها هستیم و وارد خانه نمی‌شوند مگر از درب‌های آن؛ هر کس از غیر درب‌های آن وارد شود دزد



نامیده می شود (سید رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۵۴). در زیارت امام علی \* می گوئیم: شهادت می دهم که شما درب خدایید (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۹۰/۲).<sup>۱</sup>

اگر صاحب خانه ای دربی را برای ورود گذاشته باشد و اعلام کرده باشد که تنها راه ورود همین است، حال اگر کسی از درب دیگری وارد شود دزد نامیده می شود و ورودی غیر مجاز خواهد داشت. درباره خدا نیز چنین است. راه و دربی که خدا برای رسیدن به خود معرفی کرده است، پیامبر| و جانشینان او<sup>۸</sup> هستند. حال اگر کسی از راه و درب دیگری وارد شود، دزد است.

- امام باقر \* فرمودند: علی \* دربی است که خداوند آن را گشوده است؛ پس هر کس داخل آن شود مؤمن بوده است و هر کس از آن خارج شود کافر بوده است و هر کس داخل آن نشود و از آن خارج نشود، در طبقه ای بوده است که خدای تبارک و تعالی درباره آنان فرموده است: «مشیت از آن من است؛ هر گونه بخواهم با آنان رفتار می کنم» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳۷/۱).

ایمان یعنی رسیدن به مقصد و خدا؛ اگر کسی از راهی که خدا معرفی کرده است وارد شود، به خدا خواهد رسید و مؤمن خواهد بود. اگر کسی از این راه که تنها راه است وارد نشود، به خدا نخواهد رسید و در نتیجه کافر خواهد بود.

- رسول الله| فرمودند: ای اباذر، این امام بسیار نورانی است، و نیزه بلند خداست و درب بزرگ خداست، پس هر کس خدا را بخواهد باید از این درب وارد شود (فرات، ۱۴۱۰: ۳۷۱).

جامع این روایات به صورت اصل کلی چنین بیان شده است که «شما همان دربی هستید که مردم به وسیله آن امتحان می شوند؛ هر کس به سوی شما آید نجات یافته است و هر کس به سوی شما نیاید هلاک شده است» (صدوق، ۱۴۱۳: ۶۱۳/۲). این دسته از روایات به صورت صریح بیان می دارد که اهل بیت<sup>۸</sup> درب خدایند. در این صورت، خود خدا خانه و مقصد فرض می شود و برای ورود به این خانه که خود خداست باید از درب آن وارد شد و درب این خانه اهل بیت اند.

در پایان این معنا توجه به این نکته لازم است که «کسی که امروز در خانه خداست فردا در بهشت است» (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۶۵/۹). پیامبر اسلام| فرمودند: حلقه در بهشت از یاقوت سرخ است که بر صفحه های طلا نواخته می شود. هنگامی که حلقه بر آن صفحه بکوبد، صدا کند و گوید: یا علی (صدوق، ۱۳۷۶: ۵۸۸ و ۵۸۹).<sup>۲</sup>

۱. این جمله درباره امام حسین \* (کفعمی، ۱۴۰۵: ۵۰۱)، امام کاظم \* (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۳۷) و امام زمان عجل الله فرجه (محمد بن مکی شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۰۴) نیز وارد شده است.

۲. ترجمه روایت از: جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۹۲/۵.





«یکی از آداب ورود مهمان بر میزبان این است که درِ خانه را بکوبد و صاحب‌خانه را صدا کند و از او اجازه ورود بگیرد. صدای کوبه در بهشت: «یا علی» به مثابه صدای مهمان است. گویا مهمان می‌گوید: «یا علی». معلوم می‌شود میزبان و صاحب‌خانه، یعنی صاحب بهشت حضرت علی  $\times$  است؛ یعنی محور اصلی ورود به بهشت ولایت است و محروم از ولایت از بهشت محروم است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۹۱/۴).

### معنای دوم: اهل بیت $\wedge$ خانه خدا

برخی روایات دیگر اهل بیت  $\wedge$  را خانه خدا (نه درب خدا) معرفی می‌کنند. از جمله: «أصْبَغَ بِنِيبَاتِهِ مِیْ گوید نزد امیر مؤمنان  $\times$  نشسته بودم که ابن کواء آمد و از آیه مورد بحث سؤال کرد. حضرت فرمودند: ما خانه‌هایی هستیم که خدا دستور داده است از درب آن وارد شوند و ما درب خدا و خانه او هستیم که از آن وارد می‌شوند. پس هر کس به سوی ما بیاید و به ولایت ما ایمان بیاورد از درب‌های خانه‌ها وارد آن شده است و هر کس با ما مخالفت کند و غیر ما را بر ما برتری دهد، از پشت خانه‌ها وارد آن شده است. اگر خدا می‌خواست خودش را به آنان می‌شناساند تا حد او را بشناسند و از درب آن وارد شوند ولی ما را درب‌های خود و شرط‌های رسولان خود و دربی که از آن وارد می‌شوند قرار داده است» (فرات، ۱۴۱۰: ۱۴۲ و ۱۴۳).

کعبه خانه ظاهری عبادت خداست II إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ O (آل عمران: ۹۶) و اهل بیت  $\wedge$  (بر اساس روایت قتاده که نقل شد) خانه معنوی خدایند. اما راه ورود به این خانه (اهل بیت  $\wedge$ ) چیست؟

اصل کلی قرآنی درباره ورود به خانه‌ها چنین است: II يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا O (نور: ۲۷). ورود بیگانگان به هر خانه‌ای متوقف بر اذن گرفتن از اهالی آن خانه است.

بر اساس احادیث، همان‌گونه که امامان  $\wedge$  از مهم‌ترین مصادیق خانه‌های خدا هستند؛ اهالی خانه خدا نیز هستند. برخی آیات قرآن خانه‌های خدا و ویژگی‌های آن را بیان می‌دارد. از جمله II فِي بُيُوتٍ أَدَانَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ O (نور: ۳۶-۳۷).<sup>۱</sup> امام باقر  $\times$

۱. همچنین است آیه II إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا O (احزاب / ۳۳) که به نقل فریقین درباره امامان و طهارت آنان نازل شده است.، لکن به منظور اختصار به ذکر یک آیه و توضیح مختصر آن اکتفا شده است.



درباره این آیه فرمودند این‌ها خانه‌های انبیا است و خانه علی  $\times$  نیز از آنهاست (قمی، ۱۳۶۷: ۱۰۲/۲). از امام صادق  $\times$  نیز نقل شده است که این خانه‌های پیامبر است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۱/۸). همچنین فرمودند این همان خانه‌های انبیا و رسولان  $\wedge$  و حکما و ائمه  $\wedge$  هدایتگر است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۹/۸). در روایت مهمی از امام صادق  $\times$  چنین آمده است: ...همانا هر کس خانه‌ها را از درب‌های آن وارد شود هدایت شده است و هر کس از غیر آن هدایت را بگیرد راه نابودی را پیموده است... بخواید خانه‌هایی را که «أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» همانا خدا خبر داده است که آنان «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» هستند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۲/۱). ابن عباس می‌گوید در مسجد رسول خدا  $\parallel$  بودم که قاری این آیات را خواند، گفتم ای رسول خدا این کدام خانه‌ها است؟ در حالی که به منزل حضرت فاطمه  $\oplus$  اشاره می‌کردند، فرمودند خانه‌های انبیا (ابن‌شاذان، ۱۴۲۳: ۴۲ و ۴۳).

هرچند تفاسیر اهل سنت در ذیل آیه ۱۸۹ بقره فقط به ذکر شأن نزول اکتفا کرده‌اند، اما در تفسیر سایر آیات روایاتی نقل کرده‌اند که اهل بیت را خانه خدا معرفی می‌کند و این روایات در تفسیر آیه کنونی سودمند است. هنگامی که رسول خدا این آیات را تلاوت کردند، مردی قیام نمود و پرسید: ای رسول خدا این کدام خانه‌ها است؟ حضرت فرمودند: خانه‌های انبیا، ابوبکر برخاست و گفت: ای رسول خدا، آیا خانه علی و فاطمه جزء این خانه‌ها هستند؟ فرمودند: آری، از برترین‌های آنها هستند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰۷/۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵۰/۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۵۳۳/۱).

این دسته از روایات اهل بیت  $\wedge$  را خانه‌های خدا معرفی می‌کنند. اشاره شد که خانه مقصد است و درب راه ورود به آن مقصد. در تحلیل این روایات گفته می‌شود اهل بیت  $\wedge$  مقصد میانی هستند نه مقصد نهایی؛ مقصدی هستند که بعد از رسیدن به این مقصد باید به مقصد اصلی و نهایی که خدا باشد وارد شد. شاید به همین خاطر باشد که در برخی روایات فوق، هم خانه معرفی شدند و هم درب: ما خانه‌هایی هستیم که خدا دستور داده است از درب آن وارد شوند و ما درب خدا و خانه او هستیم (فرات، ۱۴۱۰: ۱۴۲ و ۱۴۳).

در ابتدا اهل بیت  $\wedge$  خانه و مقصد فرض می‌شوند و وقتی انسان بدان رسید چون مقصد میانی هستند، دوباره اهل بیت  $\wedge$  درب و مقدمه‌ای می‌شوند برای رسیدن به مقصد نهایی یعنی خدا. حال که ثابت شد اهل بیت  $\wedge$  خانه‌های خدا و اهل آن می‌باشند و در فرهنگ قرآن برای ورود به خانه دیگران باید از اهالی آن اذن گرفت؛ بایسته است برای ورود به خانه اهل بیت آداب مخصوص آن را رعایت نمود. یعنی باید با اهالی آن انس گرفت و بر اهل آن درود فرستاد؛ به عبارتی باید از صاحبان آن اذن گرفت.



لذا قرآن کریم فرمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ** (احزاب: ۵۳).

در اذن دخول‌های مأثور مشاهد اهل بیت<sup>ا</sup> وارد شده است: بار خدایا، من در خانه‌ای از خانه‌های پیامبر<sup>ا</sup> ایستاده‌ام و شما ورود بدون اذن به خانه اهل بیت<sup>ا</sup> را ممنوع کرده‌اید؛ ما نیز به یکسانی حیات و ممات امامان<sup>ا</sup> اعتقاد داریم «وَأَنَّكَ حَاجِبٌ عَن سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مَنْجَاتِهِمْ». هرچند گوشم را از جواب آنان در حجاب قرار دادی اما لذت مناجات آنان را از من سلب نکردی. به عبارتی اگر کسی به لذت مناجات آنان دست یافت، برای ورود به خانه اهل بیت<sup>ا</sup> اذن مخصوص گرفته است و اگر به لذت مناجات نرسید، بر اساس «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ» وارد آن خانه خواهد شد. زیرا روش رسول خدا<sup>ا</sup> دستور عموم مردم به زیارت امامان<sup>ا</sup> و عرض ادب به آنان بوده است (ر.ک: ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۵ و ۵۶).

بنابراین، تفسیر دوم جمله «وَأْتُوا بُيُوتَ مَنْ أُبْوَابِهَا» بر اساس روایات چنین است:

۱. اهل بیت<sup>ا</sup> خانه خدا و اهالی آن هستند.
۲. و برای ورود به هر خانه‌ای باید از راه آن وارد شد.
۳. و راه آن این است که غیراهل باید از اهل آن اذن بگیرند.
۴. پس از رسیدن به این خانه و مقصد باید دانست که مقصد نهایی هنوز باقی است و باید اهل بیت<sup>ا</sup> را دربی برای ورود به مقصد نهایی یعنی خدا دانست.

**معنای سوم: اهل بیت<sup>ا</sup> راه دستیابی به حکمت و علم**

گروه دیگری از روایات نیز وجود دارد که به آیه مورد بحث استشهاد نموده‌اند. یک احتمال این است که این روایات در تفسیر آیه فوق باشند. احتمال دیگر این است که این گونه روایات، آیه فوق را که اصلی کلی را بیان کرده در مورد خاصی تطبیق داده‌اند.

در مدینه بارانی بارید. هنگامی که ابرها کنار رفتند و خورشید بیرون آمد، رسول الله<sup>ا</sup> به میان گروهی از مهاجران و انصار رفتند. حضرت نشستند و آنها دور حضرت نشستند. ناگهان علی بن ابی طالب<sup>خ</sup> آمد. سپس رسول خدا<sup>ا</sup> به کسانی که اطرافشان بودند فرمودند: این علی است که با قلب و دستانی پاک به سوی شما آمده است. این علی بن ابی طالب است که کامل است و درست می‌گوید. کوه‌ها نابود می‌شوند اما او از دینش نمی‌لغزد. هنگامی که نزدیک رسول خدا<sup>ا</sup> شد، ایشان را پیش رویشان (روبه‌رو) نشانند و فرمودند: ای علی! من شهر حکمتم و تو درب آن هستی، هر کس از درب شهر وارد شود، به مقصد می‌رسد. ای علی، تو درب من هستی که از آن وارد می‌شوند و من درب خدا هستم. هر کس از غیر تو به سراغ من آید، به مقصد نمی‌رسد و هر کس از غیر من به سوی خدا آید، نیز به مقصد نمی‌رسد. برخی از



مردم به یکدیگر گفتند: از این چه چیزی اراده کرده است؟ از ایشان در این باره آیه قرآنی بخواهید. پس خداوند آیه  $\text{إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ}$  O را تا آخر آن نازل نمود (فرات، ۱۴۱۰: ۶۳ و ۶۴).

رسول خدا<sup>ص</sup> فرمودند: من شهر علم هستم و علی<sup>ع</sup> درب آن است؛ پس هر کس علم را بخواهد باید از درب شهر وارد آن شود همان گونه که خداوند دستور داده است: «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۹۹).

آیه درباره امیرمؤمنان<sup>ع</sup> نازل شده است به خاطر سخن رسول خدا<sup>ص</sup> که فرمودند: «من شهر علم هستم و علی<sup>ع</sup> درب آن است و داخل شهر نمی شوند مگر از درب آن» (قمی، ۱۳۶۷: ۶۹/۱).

در چند روایت فوق، رسول خدا<sup>ص</sup> به عنوان شهر حکمت و امام علی<sup>ع</sup> به عنوان درب آن معرفی می شوند. برای رسیدن به این مقصد حکمت باید از درب اصلی آن، یعنی اهل بیت<sup>ع</sup> وارد شد و ورود از غیر این درب، انسان را به مقصد، یعنی حکمت و رسول خدا<sup>ص</sup> نمی رساند.

امام علی<sup>ع</sup> فرمودند: خدا برای علم اهلی قرار داده است و به وسیله آیاتی بر بندگان اطاعت از آنان را واجب نموده است، از جمله «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا». خانه‌ها همان خانه‌های علم اند که نزد انبیا به ودیعت نهاده شده است و درب‌های آن جانشینان آنها هستند (ر.ک. طهرسی، ۱۴۰۳: ۲۴۸/۱).

این گروه روایات، علم و حکمت را خانه و راه دستیابی به آن را اهل بیت<sup>ع</sup> معرفی می کنند. امام باقر<sup>ع</sup> فرمودند: تمام شرق و غرب را بگردید، علم صحیحی نمی یابید مگر چیزی که از نزد ما اهل بیت صادر شده باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۹/۱).<sup>۱</sup>

البته علم و حکمت در اصطلاح قرآن معنای خاصی دارد؛ بنگرید:

$\text{إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ}$  O (فاطر: ۲۸).

$\text{إِنَّمَنْ هُوَ قَانِتٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ}$  O (زمر: ۲۱).

$\text{لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ}$  O (آل عمران: ۱۶۴).

$\text{إِنَّمَا يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا}$  O (بقره: ۲۶۹).<sup>۲</sup>

شاید بتوان از این علم و حکمت به «معرفت» به معنای خاص تعبیر نمود.

۱. سایر روایات این باب نیز در همین معناست. باب: انه ليس شيء من الحق في يد الناس الا ما خرج من عند الائمة<sup>ع</sup> و ان كل شيء لم يخرج من عندهم فهو باطل.

۲. واژه علم و مشتقات آن ۸۵۴ بار در قرآن کریم استعمال شده است. همچنین «حکم» و مشتقات آن ۲۱۰ بار و کلمه «الحکمه» ۱۶ بار به کار رفته است که نه مورد آن به صورت «الْحِكْمَةِ وَالْحِكْمَةَ» است. درباره حکمه بنگرید به آیات: ۱۲۹، ۱۵۱، ۱۵۱، ۲۳۱ بقره؛ ۴۸ آل عمران؛ ۵۴ و ۱۱۳ نساء؛ ۱۱۰ مائده؛ ۳۹ اسراء؛ ۱۲ لقمان؛ ۳۴ احزاب؛ ۲۰ ص؛ ۲ جمعه.



درب و راه دستیابی به علم و حکمت مورد نظر قرآن، اهل بیت<sup>ا</sup> هستند. علم و حکمت در فرهنگ قرآن و سنت فقط نظری محض نیست. چه اینکه قرآن پس از بر شمردن اعمال مهمی چون ممنوعیت شرک، احسان به والدین، ممنوعیت قتل، زنا و ... می‌گوید: II ذلِكَ مِمَّا أُوْحِيَ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ O (اسراء: ۳۹).

با توجه به اینکه امامان<sup>ا</sup> درب ورود به حکمت و علم هستند، اگر کسی از غیر این راه وارد شود، عبادت او به مقصد و قبولی نخواهد رسید. لذا در ادامه روایت اخیر طبرسی به نقل از امام علی<sup>خ</sup> آمده است: «هر کسی که از اعمال خیر انجام دهد و عمل او بر غیر دستان خاندان برگزیده و بر غیر عهدها و شریعت‌ها و سنت آنان و بر غیر روش دین آنان باشد، عمل او مردود و غیر مقبول است و اهل آن عمل در جایگاه کفر هستند هر چند مشمول صفت ایمان هم باشند» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۴۸/۱).

روایات فراوانی که عمل بدون ولایت را غیر مقبول می‌دانند می‌تواند با توجه به همین بحث معنا شود. از جمله: امام سجاد<sup>خ</sup> فرمودند: برترین جای زمین بین رکن و مقام است و اگر فردی به اندازه‌ای که حضرت نوح<sup>خ</sup> در میان قومش عمر نمود - که نهصد و پنجاه سال بود - عمر نماید؛ در حالی که در این مکان روزهایش را روزه بدارد و شب‌هایش را به عبادت پردازد، سپس بدون ولایت ما خدا را ملاقات نماید، کارهای او ذره‌ای به حال او نافع نخواهد بود (برقی، ۱۳۷۱: ۹۱/۱).<sup>۱</sup>

همان گونه که قرآن، اعمال جاهلیت را حج عبادی نمی‌شمارد: II وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَ تَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ O (انفال: ۳۵)، ائمه<sup>ا</sup> نیز حج بدون ولایت را تصدیه و جاهلیت می‌نامند: «امام باقر<sup>خ</sup> به مردمی که دور کعبه طواف می‌کردند نگاه کردند و فرمودند: در جاهلیت نیز اینچنین طواف می‌کردند؛ همانا (در اسلام) دستور داده شده‌اند که به دور کعبه طواف کنند سپس به سوی ما کوچ کنند و ولایت و دوستی شان را نسبت به ما اعلام دارند و یاری خویش را بر ما عرضه کنند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۲/۱).<sup>۲</sup>

۱. همچنین ر.ک: کافی، ج ۱، ص ۳۷۴، باب من دان الله عزوجل بغیر امام من الله جل جلاله و ج ۸، ص ۱۰۷ و ۱۰۸، حدیث ۸۰؛ شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار<sup>ا</sup>، ج ۲، ص ۴۹۵، باب بالولایه تقبل الاعمال و ج ۳، باب العباده بدون الولایه، ص ۴۷۹ تا ۴۷۳؛ تفسیر المنسوب الی الامام العسکری<sup>خ</sup>، ص ۷۶، باب لا تقبل الاعمال الا بالولایه.  
۲. سایر روایات این باب نیز در همین معناست.



## نتیجه گیری

اینکه خدا فرمود نیکی این نیست که از پشت خانه وارد آن شوید به خاطر رفتار اشتباهی بوده که عده‌ای در زمان جاهلیت و احیاناً ابتدای اسلام انجام می‌داده‌اند. جمله «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» ارشاد به اصلی جامع و کلی است و همه خانه‌ها و مقاصد و راه‌های رسیدن به آنها را در بر می‌گیرد. روایات اهل سنت در ذیل این آیه فقط به شأن نزول آیه اشاره دارند، اما در روایات اهل بیت<sup>ع</sup> برای آیه فوق مصادیقی ذکر شده است. این روایات را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

**گروه اول:** خدا را خانه و مقصد و امامان<sup>ع</sup> را درب خدا و راه ورود به آن می‌دانند.

**گروه دوم:** اهل بیت را خانه معرفی می‌کنند. بر این اساس، اصل کلی برای ورود به هر خانه‌ای اذن گرفتن از اهل آن می‌باشد؛ لذا برای ورود به خانه اهل بیت باید از اهل آن اذن گرفت.

**گروه سوم:** خانه را حکمت و علم و راه دستیابی به آن را امامان<sup>ع</sup> معرفی می‌کنند. بر این اساس، عمل بدون معرفت و ولایت اهل بیت، ورود به خانه از غیر راه مشروع آن و مردود خواهد بود.

البته باید توجه داشت که ابواب خود موضوعیت نداشته و باید انسان را تا  $\Pi$  فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ O (قریش: ۳) پیش ببرند و به مقصد اصلی برسانند. بنابراین، طبق معنای اول و سوم که اهل بیت<sup>ع</sup> درب معرفی می‌شوند، باید انسان را به مقصد نهایی که خداست برسانند و طبق معنای دوم که اهل بیت<sup>ع</sup> خانه و مقصد معرفی می‌شوند، باید دانست که ایشان مقصد میانی هستند و باید انسان را به مقصد نهایی که خدا باشد برسانند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## فهرست منابع

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الامالی، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار<sup>۸</sup>، مصحح: محمد حسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۵. ابن شاذان قمی، ابوالفضل شاذان بن جبرئیل، الروضه فی فضائل امیر المؤمنین<sup>۹</sup>، مصحح: علی شکرچی، قم: مکتبه الامین، ۱۴۲۳ ق.
۶. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۷. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه قم، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
۱۰. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.
۱۱. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، جلد ۴، احمد قدسی، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ ششم، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، جلد ۹، حسن واعظی محمدی و حسین اشرفی، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، معاد در قرآن، جلد ۵، علی زمانی قمشه ای، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: چاپ اول، بی تا.
۱۶. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. حسن بن علی (ع)، تفسیر المنسوب الی الامام العسکری، قم: مدرسه امام مهدی عجل الله فرجه، ۱۴۰۹ ق.



۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۹. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحر العلوم، ابوسعید عمر بن غلامحسن عمروی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۲۰. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۱. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۲. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، مصحح: محسن بن عباسعلی کوجه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، محمدباقر خراسانی، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، تصحیح: موسسه البعثه، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۲۷. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۸. فوات کوفی، ابوالقاسم فوات بن ابراهیم، تفسیر فوات الکوفی، محمدکاظم محمودی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۹. فرامرزی، جواد، حسینی، سید قاسم، «واکاوی تأویلات روایی تفاسیر شیعی در آیه ۱۸۹ سوره بقره»، پژوهش نامه تأویلات قرآنی، شماره ۷، ۱۴۰۰ش.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۳۱. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح، قم: دارالرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۴. محمد بن مکی (شهید اول)، المزار، تصحیح: محمدباقر موحد ابطحی، قم: مدرسه امام مهدی عجل الله فرجه، ۱۴۱۰ق.





۳۵. محمدزاده، عاطفه، شهیدی، روح‌الله، مهدوی‌راد، محمدعلی، «حجیت مفاد فرازهای مستقل قرآن؛ رهیافت‌ها و زمینه‌ها (مطالعه موردی، آیه ۱۸۹ بقره)»، پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱۶، ۱۳۹۹ش.

۳۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۳۰ق.

۳۷. معرفت، محمدهادی، «علم تفسیر»، وقف میراث جاویدان، شماره ۹، ۱۳۷۴ش.

۳۸. موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت<sup>۸</sup>، قم: موسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۴ق.

۳۹. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق: زغلول کمال بسیونی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.





## Bibliography

۱. *Quran Karim (The Noble Quran)*.
۲. Azharī, Moḥammad bin Aḥmad, *Tahdhīb al-Lughah (The Refinement of Language)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, n.d.
۳. Baḥrānī, Seyyed Hāshim, *Al-Burhān fī Tafsīr al-Qur'ān (The Proof in the Interpretation of the Qur'ān)*, Edited by Qism al-Dirāsāt al-Islāmīyah, Mu'assasat al-Ba'thah, Tehran: Bunyād Ba'that, ۱۴۱۶ AH (۱۹۹۶ CE).
۴. Balkhī, Muqātil bin Sulaymān, *Tafsīr Muqātil (The Commentary of Muqātil)*, Edited by 'Abdullāh Maḥmūd Shaḥātah, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth, ۱۴۲۳ AH (۲۰۰۲ CE).
۵. Barqī, Aḥmad bin Moḥammad bin Khālid, *Al-Maḥāsīn (The Virtues)*, Edited by Jalāl al-Dīn Muḥaddith, Qom: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, ۲nd Edition, ۱۳۷۱ AH (۱۹۹۲ CE).
۶. Fakhr Rāzī, Moḥammad bin 'Umar, *Maḥātib al-Ghayb (The Keys to the Unseen)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, ۳rd Edition, ۱۴۲۰ AH (۲۰۰۰ CE).
۷. Farāmarzī, Jowād, Ḥusaynī, Seyyed Qāsim, “*Wākāwī Ta'wīlāt Rawā'ī Tafāsīr Shī'ī dar Āyah 189 Sūrat al-Baqarah*” (*The Examination of the Interpretations of Shī'ī Commentaries on Verse 189 of Surah al-Baqarah*), Pajūhishnāmah Ta'wīlāt Qur'ānī (Journal of Qur'ānic Interpretations), No. ۷, ۱۴۰۰ SH (۲۰۲۱ CE).
۸. Farāt Kūfī, Abū al-Qāsim Farāt bin Ibrāhīm, *Tafsīr Farāt al-Kūfī (The Commentary of Farāt al-Kūfī)*, Moḥammad Kāzim Maḥmūdī, Tehran: Sāzmān-i Chāp wa Intishārāt Wizārat Irshād Islāmī, ۱۴۱۰ AH (۱۹۹۰ CE).
۹. Ḥaskānī, 'Ubaydullāh bin Aḥmad, *Shawāhid al-Tanzīl li-Qawā'id al-Tafḍīl (The Evidences of Revelation Regarding the Rules of Superiority)*, Edited by Moḥammad Bāqir Maḥmūdī, Tehran: Sāzmān-i Chāp wa Intishārāt Wizārat Irshād Islāmī, ۱۴۱۱ AH (۱۹۹۰ CE).
۱۰. Ḥassan bin 'Alī, *Tafsīr al-Mansūb ilā al-Imām al-'Askarī (The Commentary Attributed to Imam al-'Askarī)*, Qom: Madrasah Imām Mahdī (a.s.), ۱۴۰۹ AH (۱۹۸۸ CE).
۱۱. Ibn Bābawayh (Sheikh Ṣadūq), Moḥammad bin 'Alī, *Al-Amālī (The Dictations)*, Tehran: Ketābchī, ۳th Edition, ۱۳۷۶ SH (۱۹۹۷ CE).
۱۲. Ibn Bābawayh (Sheikh Ṣadūq), Moḥammad bin 'Alī, *Man Lā Yaḥḍuruḥu al-Faqīh (The Jurisprudent for One Who Does Not Have Access to a Jurist)*, Edited by 'Alī Akbar Ghafārī, Qom: Daftar Intishārāt Islāmī, ۲nd Edition, ۱۴۱۳ AH (۱۹۹۳ CE).
۱۳. Ibn Ḥayūn, Nu'mān bin Moḥammad al-Maghribī, *Sharḥ al-Akḥbār fī Faḍā'il al-A'immat al-Athār (a.s.) (Explanation of the Narrations Regarding the Virtues of the Pure Imams)*, Edited by Moḥammad Ḥusayn Ḥusayni Jalālī, Qom: Jāmi'at al-Mudarrisīn, ۱۴۰۹ AH (۱۹۸۸ CE).
۱۴. Ibn Mashhadī, Moḥammad bin Ja'far, *Al-Mazār al-Kabīr (The Great Pilgrimage)*, Qom: Daftar Intishārāt Islāmī, ۱۴۱۹ AH (۱۹۹۸ CE).
۱۵. Ibn Shādhān Qummī, Abū al-Faḍl Shādhān bin Jubayrīl, *Al-Rawdat fī Faḍā'il Amīr al-Mu'mīnīn (a.s.) (The Garden of the Virtues of Commander of the Believers)*, Edited by 'Alī Shukrī, Qom: Maktabat al-Amīn, ۱۴۲۳ AH (۲۰۰۲ CE).
۱۶. Ibn Sīdah, 'Alī bin Ismā'īl, *Al-Muḥkam wa al-Maḥīṭ al-A'zam (The Authoritative and the Greatest Surrounding)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, n.d.



۱۷. Jawādī Āmolī, ‘Abdullāh, *Ma ‘ād fi al-Qur ‘ān (The Hereafter in Quran)*, Vol. ۵, ‘Alī Zamānī Qomshahī, Qom: Markaz Nashr Isrā’, ۴th Edition, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۱۸. Jawādī Āmolī, ‘Abdullāh, *Tasnīm (Tasmin Interpretation of Quran)*, Vol. ۴, Ahmad Qudsyī, Qom: Markaz Nashr Isrā’, ۶th Edition, ۱۳۸۹ SH (۲۰۱۰ CE).
۱۹. Jawādī Āmolī, ‘Abdullāh, *Tasnīm (Tasmin Interpretation of Quran)*, Vol. ۹, Hassan Wā‘izī Moḥammadi and Ḥusayn Ashrafī, Qom: Markaz Nashr Isrā’, ۳rd Edition, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۲۰. Jawharī, Ismā‘īl bin Ḥammād, *Al-Şiḥāḥ (The Correct Dictionary)*, Beirut: ۱st Edition, n.d.
۲۱. Kāf‘amī, Ibrāhīm bin ‘Alī ‘Āmilī, *Al-Miṣbāḥ (The Lantern)*, Qom: Dār al-Raḍī, ۲nd Edition, ۱۴۰۵ AH (۱۹۸۵ CE).
۲۲. Kulaynī, Moḥammad bin Ya‘qūb, *Al-Kāfī (The Sufficient Source of Narrations)*, Edited by ‘Alī Akbar Ghafārī and Moḥammad Ākhundī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, ۱۴۰۷ AH (۱۹۸۷ CE).
۲۳. Ma‘rifat, Moḥammad Hādī, “*‘Ilm Tafsīr*” (*The Science of Interpretation*), Waqf Mīrāth Jāvīdān (The Eternal Heritage), No. ۹, ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).
۲۴. Majlisī, Moḥammad Bāqir, *Bihār al-Anwār (Seas of Lights)*, Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī, ۲nd Edition, ۱۴۰۳ AH (۱۹۸۳ CE).
۲۵. Maussū‘ah Dā‘irah al-Ma‘ārif al-Fiqh al-Islāmī, *Mawsū‘ah al-Fiqh al-Islāmī Ṭabaqan li-Madhhab Ahl al-Bayt (a.s.) (Encyclopedia of Islamic Jurisprudence According to the School of Ahl al-Bayt)*, Qom: Ma‘ārif al-Fiqh al-Islāmī, ۱۴۲۴ AH (۲۰۰۳ CE).
۲۶. Moḥammad bin Makī (Shahīd Awwal), *Al-Mazār (The Pilgrimage)*, Edited by Moḥammad Bāqir Muwahhid Abṭāḥī, Qom: Madrasah Imām Mahdī (a.s.), ۱۴۱۰ AH (۱۹۹۰ CE).
۲۷. Moḥammadzādah, ‘Āṭifah, Shahīdī, Rūḥullāh, Māhdavī Rād, Moḥammad ‘Alī, “*Ḥujjīyat Maḥādī Fārāz-hā-yi Mustaqill al-Qur ‘ān; Rahyāft-hā va Zimnahā (Muṭālah Muwāridī, Āyah 189 Sūrat al-Baqarah)*” (*The Legitimacy of the Independent Verses of the Qur ‘ān; Approaches and Backgrounds [Case Study of Verse 189 of Surah al-Baqarah]*), Pajūhishnāmah Tafsīr va Zabān-i Qur ‘ān (Journal of Qur ‘ānic Interpretation and Language), No. ۱۶, ۱۳۹۹ SH (۲۰۲۰ CE).
۲۸. Muṣṭafawī, Ḥassan, *Al-Tahqīq fi Kalimāt al-Qur ‘ān al-Karīm (The Investigation in the Words of the Noble Qur ‘ān)*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah, ۳rd Edition, ۱۴۳۰ AH (۲۰۰۹ CE).
۲۹. Qummī, ‘Alī bin Ibrāhīm, *Tafsīr al-Qummī (The Commentary of Qummī)*, Edited by Seyyed Ṭayyib Mūsawī Jazā‘irī, Qom: Dār al-Kitāb, ۴th Edition, ۱۳۶۷ SH (۱۹۸۸ CE).
۳۰. Rāghib Isfahānī, Ḥusayn bin Moḥammad, *Mufradāt Alfāz al-Qur ‘ān (The Vocabulary of Qur ‘ānic Terms)*, Beirut: Dār al-Qalam, ۱st Edition, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
۳۱. Şaffār, Moḥammad bin Ḥassan, *Bāṣā‘ir al-Darajāt (Insights of the Ranks)*, Edited by Muḥsin bin ‘Abbās ‘Alī Kūche-Bāghī, Qom: Maktabat Ayatollah al-Mar‘ashī al-Najafī, ۲nd Edition, ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۴ CE).
۳۲. Samarkandī, Naṣr bin Moḥammad bin Aḥmad, *Baḥr al-‘Ulūm (The Sea of Sciences)*, Abū Sa‘īd ‘Umar bin Ghulām Ḥassan ‘Amrī, Beirut: Dār al-Fikr, n.d.



۳۳. Seyyed Razi, Moḥammad bin Ḥusayn, *Nahj al-Balāgha (The Peak of Eloquence)*, Ṣubḥī Ṣāliḥ, Qom: Hijrat, ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۴ CE).
۳۴. Suyūṭī, Jalāl al-Dīn, *Al-Durr al-Manthūr fī Tafsīr al-Ma'thūr (The Scattered Pearls in the Interpretation of the Narrations)*, Qom: Library of Ayatollah Mar'ashī Nājafī, ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۴ CE).
۳۵. Ṭabarī, Abū Ja'far Moḥammad bin Jarīr, *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān (The Comprehensive Explanation in the Interpretation of the Qur'ān)*, Beirut: Dār al-Ma'rifaḥ, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۲ CE).
۳۶. Ṭabarsī, Aḥmad bin 'Alī, *Al-Ihtijāj 'alā Ahl al-Lijāj (The Argumentation Against the Obdurate People)*, Moḥammad Bāqir Khurāsānī, Mashhad: Nashr Murtadā, ۱۴۰۳ AH (۱۹۸۳ CE).
۳۷. Ṭabāṭabā'ī, Seyyed Moḥammad Ḥusayn, *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān (The Scale in the Interpretation of the Qur'ān)*, Qom: Daftar Intishārāt Islāmī, ۵th Edition, ۱۴۱۷ AH (۱۹۹۷ CE).
۳۸. Tha'labī Nīshāpūrī, Abū Ishāq Aḥmad bin Ibrāhīm, *Al-Kashf wa al-Bayān 'An Tafsīr al-Qur'ān (The Unveiling and Clarification on the Interpretation of the Qur'ān)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, ۱۴۲۲ AH (۲۰۰۱ CE).
۳۹. Ṭūsī, Moḥammad bin al-Ḥassan, *Al-Amālī (The Discourses)*, Edited by Mu'assasat al-Ba'tha, Qom: Dār al-Thaqāfah, ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۴ CE).
۴۰. Wāḥidī, 'Alī bin Aḥmad, *Asbāb Nuzūl al-Qur'ān (The Reasons for the Revelation of the Qur'ān)*, Edited by Zaghlul-Kamāl Basyūnī, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, ۱۴۱۱ AH (۱۹۹۱ CE).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی